

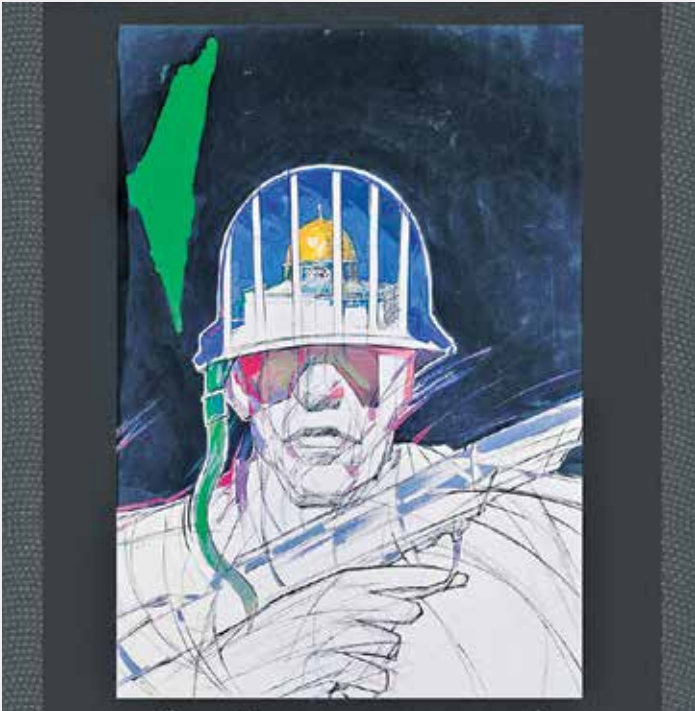
ایران

امام باقر(ع):

مؤمن از کوه سخت‌تر است. از کوه کم می‌شود اما از دین مؤمن چیزی کاسته نمی‌گردد.


سخن‌روز

الکافی: ۲، ۲۴۱، ۳۷

نگاره
«فلسطین»

نقاش: زنده‌یاد حبیب‌الله صادقی
فضای مجازی
نصرالله رادش با جایزه جوکر، ۴ زندانی غیرعمد رازآزاد کرد

نصرالله رادش جایزه نقدی خود برای حضور در یک مسابقه را صرف آزادی ۴ زندانی جرایم غیرعمد کرد.
کمدین نام‌آشنای کشور با حضور در محل ستاد مردمی دیه، جایزه دویست میلیون تومانی خود بابت برنده شدن در یکی از مسابقات شبکه نمایش خانگی را صرف آزادی ۴ بدهکار مالی زندان‌های استان تهران کرد.
با این حمایت مالی، ۲ زن و ۲ مرد عائله‌مند با مدت تقریبی سه ماه حبس، آزاد و به آغوش خانواده بازگشتند.

پشیمانی پرستو صالحی از مهاجرت

ویدیوی منتشرشده از پرستو صالحی که در آن از پشیمانی از مهاجرت می‌گوید از موضوعات پربحث شبکه‌های اجتماعی است. پرستو صالحی در بخشی از این ویدیو می‌گوید که چند ماهی است برای برگشت به ایران از طریق خانه سینما درخواست داده و نمی‌داند چطور برخورد می‌شود. او در ادامه می‌افزاید دلایل زیادی برای برگشت به ایران دارد که یکی از آن دلایل مادرش است.

او مشکل مالی را دیگر دلیل بازگشت به ایران عنوان می‌کند و در توضیحات تکمیلی می‌افزاید که از طریق تبلیغات امرار معاش می‌کرده و پس از رفتن از ایران این تبلیغات سلب شده است. صالحی همچنین می‌افزاید، حس می‌کند در کشور عزت و احترام بهتری خواهد داشت. برخی کاربران راستی صحبت‌های صالحی را زیرسؤال برده و نوشته‌اند: «نمی‌دانیم این حرف‌هایی که پرستو صالحی می‌زند مثل دفعات قبل برای جلب توجه و وایرال شدن دوباره است یا این بار واقعاً پشیمانی‌اش را از مهاجرت، عمومی کرده است!»
برخی هم بر این باورند که مشکل اصلی این است که او خودش را خیلی جدی گرفته و ایرانی‌ها از این قبیل جماعت در این سال‌ها کم ندیده‌اند؛ متوهمانی که فکر می‌کنند آمدن یا نیامدن‌شان به کشور ممکن است مسأله یا چالش جدی برای خودشان و ایران ایجاد کند.

کاربری نوشته: «پرستو صالحی که محلی از اعراب ندارد، باور کنید علی کریمی و حمید فرخ‌نژاد هم امروز از ترک ایران ناراحتند.»
کاربری این جمله از سردار سلیمانی را به اشتراک گذاشته: «الله هرکس تیر به سمت این نظام انداخت آواره شد» و در ادامه نوشته است: «امیدوارم اتمام حجتی باشه برای همه که بداندن این انقلاب متعلق به مردم و شه‌است نه معلوم‌الحال‌هایی مثل این خانم و امثالهم.»
کاربری به نام لیلی آورده: «ظاهراً برای پرستو صالحی ایران دیگه «خراب شده» نیست و می‌خواد برگرده! یک‌سری‌ها برای درس عبرت شدن به دنیا میان که بقیه کمتر اشتباه کنند و موفق باشند تو کار و زندگیشون!»
آوین هم نوشته: «ان‌شاء‌الله هرکی دور از وطنه به وطن برگرنه اما قبل از اینکه پشت‌پا بزینین به همه چیز و از وطن برین، ببینین دارین خونه پراندازیتونوو رو تار عنکبوت اپوزیسیونی بنا میکنین که از طلا نیست، جنسش از عملگی و پیاده‌نظامی برای دشمنه.»
این تصمیم صالحی البته واکنش انتقادی مدافعان تفکرات او در مخالفت با نظام را هم به همراه داشته و با اشتراک گذاشتن تصاویری از موضع‌گیری‌های قبلی او از جمله امضا برای وکالت به رضا پهلوی، او را مخالفی سست‌عصر نامیده‌اند.

نبرد با علاقه‌مندان تئاتر

قیمت بالای بلیت برخی آثار نمایشی علاوه بر فضای مجازی در رسانه‌های رسمی هم با انتقاد همراه است. این روزها سامانه فروش، بهای بلیت نمایش «نبرد رستم و سهراب» را ۵۹۰ تا یک میلیون و ۳۵۰ هزار تومان تعیین کرده است.
مهر در گزارشی با استناد به قیمت بالای نمایش «سبید» در ماه گذشته در مطلبی با عنوان «نبرد رستم و سهراب یا نبرد با تئاتر!» نسبت به این قیمت‌گذاری انتقاد کرده است. اوایل تیر سال جاری بود که کنسرت نمایش «سبید» در مجموعه فرهنگی سعدآباد تهران روی صحنه رفت و بهای بلیت خود را ۶۷۵ تا ۸۹۰ هزار تومان تعیین کرد. این روزها حسین پارسایی نیز که مدعی تولید و اجرای تئاترهای موزیکال است، قصد دارد نمایش «نبرد رستم و سهراب» را در استادیوم بین‌المللی تنیس مجموعه ورزشی انقلاب روی صحنه ببرد.

اجرای این نمایش از ۱۰ مرداد آغاز می‌شود اما نکته قابل تأمل درباره این اجرا، بهای بلیت تعیین‌شده برای نمایش است. در سایت فروش بلیت این اثر نمایشی بهای بلیت‌ها از ۵۹۰ تا یک میلیون و ۳۵۰ هزار تومان تعیین شده است، بهایی که نه تنها از بهای بلیت تمام تئاترهای تولیدشده بالاتر است بلکه رکورد گرانی بلیت را از کنسرت‌های موسیقی پاپ نیز زبوده است.

مشخص نیست چرا یک گروه نمایشی به تنهایی می‌تواند صرف استفاده از چهره‌های بازیگری، با توجیه ساخت دکور آنچنانی و اجرا در فضایی غیرمتعارف در مجموعه ورزشی لاکچری باشگاه انقلاب تهران، قیمت بلیت اثر خود را به دلخواه تعیین کند.

صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

مدیرعامل مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: احسان صالحی

سر‌دبیر:

حسام‌الدین برومند

نقل قول
منبع الهام‌من، مردم هستند

سینما همچون هنرهای دیگر وسیله بیانی است که موضوعی را به مخاطبان انتقال می‌دهد. ضمن اینکه لازم است تا در سینما سرگرمی و جذابیت وجود داشته باشد، زیرا یک اثر می‌تواند شامل مفهوم و پیام هم باشد.

منبع الهام من مردم هستند و از آنها آموزش می‌بینم. ما هرچه داریم از مردم است و رفتارها و کردارهای آنان را تبعیت می‌کنم و همان‌ها را در بازیگری به کار می‌گیرم. باید خوب ببینیم و در عمق بازیگری نفوذ کنیم تا بتوانیم کار خود را به بهترین شکل صورت دهیم.

گفت‌وگوی ایلنا با حسین محبوب بازیگر

یادداشت

چرا موسیقی؟! (۴)

پرستش یا «چرا» ناظر به علل اربعه است. چرا به وجود آمده؟ چرا بدین صورت است؟ از چه ساخته شده؟ برای چه ساخته شده؟ (هدف از تولید و ساخت آن چیست و چه بوده؟) موسیقی، چرا به وجود آمده؟ به وجود نیامده؛ بلکه در هستی و خلقت، بوده و مشهود شده. همراه خلقت بوده. خالق تبارک و تعالی، آن را نوا و نغمه و وزن و وضع هستی قرار داده. اگر خلقت واقع شده، موسیقی هم همراه آن به وقوع پیوسته! ملزوم هستی است. در ذرات هستی، مشهود و معلوم است. اصلاً مایه زیبایی و جذابیت آن است. آوای هستی است. هیچ تصویری بدون صدا نیست. موسیقی، صدای هستی است. موسیقی، رمز جذابیت هستی است. اگر موجود، قائم است به دو امر، آن دو امر، زیبایی و جذابیت است. زیبایی، معطوف به تصویر و جذابیت معطوف به صداست. البته به سهو و عمد، این دو به جای هم نیز به کار می‌روند. گاهی مقصود از زیبا، جذاب و بالعکس است، زیرا زیبا، جذاب و نبهتست و جذاب، زیباست، اما در دقت عمیق‌تر، زیبایی به صورت و جذابیت به «سیرت» صدا بازمی‌گردد، اما اگر بگویی زیبایی‌چون جذاب است و جذاب است چون زیباست، مقبول است و اشتباه نیست؛ جذابیت، رمزش گرماست. گرما، جذب می‌کند و سرما، دفع می‌کند. جذب گرما تا مرز سوختن و سوختگی است. در این صورت طلب گرما، متوقف می‌شود. اگر بسوزی، دیگر نمی‌خواهی، ولی تا پیش از آن جذبش می‌شوی و مجدوبیش هستی. صدا، گرمایش جذاب است. صدای گرم، حد کامل جذابیت است. صدای گرم یعنی همه امتیازات رسایی (بُرد)، خوش‌آهنگی، خوش‌ادایی و خوشایندی را در خود دارد. هر کدام از آن ویژگی‌ها، البته خود به تنهایی هم امتیازند، اما بُرد زیاد بدون خوش‌آهنگی، جذاب نیست. «ارن آنکر الاصوات لُصوُف الخمر»، بسیار صداها با رسایی زیاد، ولی بدآیندند، زیرا خوش‌آهنگ نیستند. «من اینچا بس دلم تنگ است و هر سازی که می‌بینم، بدآهنگ است» زیرا هارمونیک‌های آن (ارتعاشات مخفی و همراه هر صدا)، مقارن و مکمل نیستند. بسی کسان که از صدای آنها بیبازی زایند، زیرا مشمول فقدان هارمونیک‌های موافقتد. چنین اسواتی، عربده‌اند. عربده، صدای ناساز و ناهمساز است و ناسازی، جذب ندارد و دفع می‌کند. پس آنکه رمز جذابیت یک صدای درود، همسازی است. (هم‌آهنگی صدا‌های مخفی درون هر صدا، با هم). درون هر صدا و توأم با آن، صدا‌های مخفی و نامشهودی (ولی محسوس) است که در صورت توافق و همسازي با هم و با صدای اصلی، خوش‌آهنگی ایجاد می‌کند و خوش‌آهنگی موجب خوشایندی است و این یعنی جذب و جذابیت، راز محبوبیت یک صداست. پس صدای رسا و خوش‌آهنگ، جذاب است و هر امر جذابی، خوشایند است و خوشایندی، معلول زیبایی است. پس جذابیت، زیباست و البته زیبا هم جذاب است. حتی اگر صدایی رسا (بُرد زیاد) هم نباشد، اگر خوش‌آهنگ باشد، جذاب و زیباست، پس خوشایند

- تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نامبر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پيامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۳۴ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی:** ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
- چاپ:** چاپخانه‌های همشهری
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷۲ (۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲



توصیه من این است که هرگز

کاری را که امروز می‌توانی انجام دهی

به فردا موکول نکن، تأخیر دزد زمان است.

کتاب دیوید کارپلند
چارلز دیکنز

تجسم
هنر بازاری

معمولاً عبارت «هنر بازاری»، «نقاشی بازاری» و... معنای چندان مثبتی ندارد و از این اصطلاحات بیشتر برای تحقیر هنر و اشاره به عوام‌پسندی آثار هنری استفاده می‌شود. اما این تعبیر می‌تواند با توجه به وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی روز، بار معنایی متفاوتی پیدا کند. بی‌تردید هنرِ بازاری در دوره‌ای که مخاطب و خریدار آثار هنری و صنایع دستی همان مشتری‌هایی هستند که در فضای فیزیکی بازارها رفت و آمد دارند دلالت بر اثری دارد که هنرمند و صنعتگرِ هنری آن را به قصد جلب سلیقهٔ عوام خلق و تولید کرده است. در این صورت قصد هنرمند برآورده کردن نیازهای زیبایی‌شناختی طبقهٔ عمومی و اکثریتی بسا میرانی از تمکن مالی است. به عبارت روشن‌تر، اثر با کیفیت و کمیتی خلق یا تولید می‌شود که ظرفیت بازار موجود را در جامعه تعیین می‌کند.

در دو دهه اخیر جامعه مخاطب آثار هنری بویژه در بخش «اقتصاد هنر» بنا به دلایل متنوعی تغییر شکل داده است. تمایل به سرمایه‌گذاری در بخش هنر و بسط مفهوم «کالای هنری» بعضی پول‌های بادآورده و به اصطلاح طبقه‌ای از تازه به دوران رسیده‌ها، انواعی از بیماری‌های اقتصادی، میل به تفاخر و انتساب به طبقات فرهنگی و...، خریدارانی در بازار هنر شکل داده که به کلی با خریداران نسل گذشته متفاوت است. به‌طور طبیعی نیاز زیبایی‌شناختی هم در این بازار مشخصات تازه‌ای را برای هنر و کالای هنری می‌شناسد. صنعتگران و هنرمندانی هم هستند که از این مشخصات اطلاع دارند و به شکل مدیریت‌شده با غریزی به سمت بهره‌برداری از این بازار هدایت می‌شوند.

بازار جدید، کالای جدید هم لازم دارد. تعریف این بازار جدید هم به عهده منتفعین و سرمایه‌گذاران این حوزه خواهد بود. دور از ذهن نیست که سلاقی و مجموعه ارگان این بازار، از هنرمند تا خریدار و کلکسیونر و منتقد و... به وحدتی نوشته و نا نوشته برسند.


بازار جدید

کالای جدید

هم لازم دارد.

تعریف این

بازار جدید

هم به عهده

منتفعین و

سرمایه‌گذاران

این حوزه

خواهد

بود. دور از

ذهن نیست

که سلاقی

و علائقی

مجموعه

ارگان این بازار

از هنرمند

تا خریدار و

کلکسیونر و

منتقد و... به

وحدتی نوشته

و نا نوشته

برسند

با این تعاریف باز هم عبارات «هنر بازاری»، «نقاشی بازاری» و... مصداق پیدا می‌کنند، اگرچه محصولات این دوره متفاوت از «هنر بازاری» سال‌های گذشته باشد. در هریک از این دوره‌ها آنچه را و چه مشترک برای استفاده از این اصطلاح می‌توان برشمرد، همان توجه آگاهانه و ناآگاهانه هنرمند و صنعتگر هنری برای جلب نظر مشتری است بویژه که این «مشتری» اغلب شامل معنای کلی «مخاطب اثر هنری» نمی‌شود و چنین روند آفرینشی معمولاً در مقابل اعتبارات محتوایی و فرمی و زیبایی‌شناسی هنری و مفهوم متعالی «هنر» قرار می‌گیرد که که خواسته یا ناخواسته تن به این ساختار اقتصادی بخشی از تجربه‌های همسو یا مخالف با جریانات سیاسی و اجتماعی را هم باید تحت همین عنوان بررسی کرد.

این وضعیت نه تنها در حراج‌ها و نگارخانه‌ها که ذاتاً مرتبط با بازار و اقتصاد هنر هستند بلکه به رویدادهای هنری مستقل از تجارت و حتی نظام آموزشی کشور هم سرایت کرده است. بنابراین شاید بهتر باشد هنرمندان و صنعتگرانی که خواسته یا ناخواسته تن به این ساختار اقتصادی در موضوع هنر داده‌اند در انتساب این معنای جدید از «هنر بازاری» در زبان منتقدین مستقل هنر و با پذیرش این واقعیت، روی تشرش نکنند.

عکس نوشت

کاروان

پیاده‌روی اربعین

«شقایق الحسین»

رامشیربا

۱۳۲ پرچم حسینی

دوشنبه

(۸ مرداد ۱۴۰۳)

به سمت

کربلای معلی

حرکت کرد.

این کاروان با

جمعیت بیش از ۳۰۰

نفر پرچم‌دار

در مدت ۲۷ روز

خود را به

کربلای معلی

می‌رسانند.

عکس:

علی معرف‌البریا



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید